

بیرون رفت از حالت فعلی

عشق به وطن و مردم مانند قلم است که می تواند جنگ و صلح را بر پا کند؛ حمام از خون بسازد یا رود از اشک را در جیحون جاری سازد و از دشت کویری گلی قشنگ بچیند؛ انگیزه شود که ساکت و خاموش ترین ها را به غوغا بیاورد و نا پختگان را پخته سازد.

عدم توافق و از خود گذری برخورد احساساتی و سطحی نگری در مسایل سیاسی کشور، سبب اشتباهات و کجروی، رخوت و خموده گی، سرخورده گی و کناره گیری و سرانجام تحجر فکری از مبارزه می گردد.

زیر و بم دهل و سرناي دموکراسی در سمفونی لیبرالیزم، گوش کناره گیران و متحجران خمار الود فضا مکدر سیاسی را نوازش داد، و تنگ نفسان بی ازرم را از پیله ها شان بیرون ریخت و مجال کشیدن نفس تازه بخشید و پکول، چین و لنگی دموکراسی طلبی، جامعه مدنی و انتخابات را به تن کرده و با خود فروخته گان اجنبی دهن جوال فساد و بد بختی را گشودند و بالای کرده های ملت ماجشن و شادی به پا نمودند.

رژیم وارداتی بجای ریشه کن کردن نابرابری در افغانستان، ثروت ثروتمندان را افزون و فقر را به فقرا تحفه اسمانی گویا ارمغان آورد. نه تنها مدل از دموکراسی و عدالت گردید بلکه به بی عدالتی و فساد و خون ریزی را بیشتر دامن زد و برگره مشکلات جامعه ما افزود.

مردم ما از دیر زمان است در ارزی یک جامعه دموکراتیک که خود سرنوشت شان را بدست داشته باشند روز شماری می کنند. چنین جامعه و سیستم سیاسی را فقط نیرو های اصیل ملی و دموکرات مستقل با اراده ملت پر غرور ما می توانند پایه ریزی و ایجاد کنند.

حال که تیغ فساد و نابرابری و بی عدالتی به حلقوم توده های ملیونی ما رسیده است؛ نخبگانی ملی و دموکرات باید نور امید را به دلای نا امید مردم تزریق کنند و آغاز نو را به سرنوشت جنبش ملی-مترقی و عدالت خواه رقم زنند؛ تا در شبستان دهکده ای به خون خفته و ماتم زده ما روشنی شفق فردا بدمد.

آنچه که برای به حرکت درآوردن و ساختار نیرو های ملی و دموکرات در خور اهمیت و مهم است، همدگر پذیری و تحمل اختلافات سیاسی و عقیدتی بین ارگان های ساختاریست تا بالای مساله بزرگ ملی و اخلاقی کشور یعنی پر ساختن خلای ایجاد شده نیروی های ملی و دموکرات به جر و بحث معقول و علمی پرداخته و راه بیرون رفت از این بحران را رده بندی و وظایف مشخص را برنامه ریزی و حرکتی واحد را براه اندازند.

و آنچه به نظرم مهم اند:

امنیت و استقرار صلح بدون تامین حاکمیت دموکراتیک مطابق خواست مردم امکان پذیر نیست؛ مگر اینکه تحلیل درست از اوضاع سیاسی اجتماعی و اقتصادی کشور مطابق ارزش های ملی و دینی را نداشته باشیم.

ایجاد یک جامعه ملی و دموکراتیک و نجات توده ها از چنبره اهریمن فقر اقتصادی و استبداد سیاسی در صورت آزادی بدون برابری اجتماعی ممکن نیست و تامین حقوق انسانی جدایی ناپذیر از آزادی غیر ممکن است.

تامین اصل برابری بین اقوام و قبایل کشور و مبارزه علیه هرنوع امتیاز طلبی، انحصار طلبی سیاسی، فقط با پرهیز و دوری و اجتناب از قوم پرستی، محلی گرایی، زبان و مذهب ستیزی، فساد و ناهنجاری های که مانع پیشرفت و رشد جامعه می شود.

احقاق حقوق همه شهروندان، بدون در نظر داشت ثروت، جنسیت، رنگ پوست، محل سکونت، زبان، نظرات سیاسی و اعتقادات فردی، ممکن نیست؛ تاحاکمیت قانون و مبارزه علیه قانون شکنان نهادینه نگردد.

کار، تحصیل رایگان، و رفاه گسترده همگانی و رفع نیاز های اولیه زنده گی (حق داشتن مسکن مناسب، دسترسی به خدمات بهداشتی و آموزشی) برای همه شهروندان با ایجاد سکتور های اقتصادی واقعا ملی تامین می گردد.

ایجاد مدارس سواد آموزی برای همه شهروان بیسواد و کم سواد؛ دست های مرموز بیگانگان را از مخدوش کردن اذهان توده ها کوتاه ساخته و تاثیر معجون و افیون مکدر کننده روان مردم را از بین می برد.

ایجاد، رشد و تقویه سکتور های نو اقتصادی ملی؛ طرح پلان و نظارت و حمایت از سرمایه گذاری های ملی بر تمام عرصه های زراعتی و کشاورزی

ایجاد روابط دوستانه با همسایگان و کشور های جهان مطابق منشور ملل متحد؛ استقلال سیاسی ما را هویت ملی داده و رسمیت می بخشد.